



سال ششم / زمستان ۱۳۹۶

فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره اندازه اثر جهانی شدن و هویت ملی در ایران

• محسن نیازی^۱
• فاطمه منصوریان راوندی^۲

چکیده

فرایند تسلط بر دنیا یا جهانی شدن از دیروز تا امروز، در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، حقوق و فرهنگ جاری بوده است. شواهد حاکی از آن است که بیشترین بحث‌ها، نزاع‌ها و نگرانی‌های جهانی شدن در دنیا، در حوزه فرهنگ و هویت ملی است.

تاکنون در خصوص تأثیر جهانی شدن بر تقویت و تضعیف هویت ملی، تحقیقات متعددی انجام شده است و هر یک از صاحب نظران، متناسب با حوزه کاری خود به تفسیر و تبیین روابط فوق پرداخته‌اند و بی‌تردید با توجه به هدف، متغیرهای مورد بررسی، روش به کار گرفته شده و جامعه آماری مورد بررسی، نتایج متفاوتی حاصل شده است. از این رو؛ مطالعه حاضر با روش فراتحلیل و استفاده از نرم افزار (CMA) به بررسی ۹ پژوهش در زمینه رابطه هویت ملی و جهانی شدن پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین جهانی شدن و هویت ملی رابطه معکوس وجود دارد؛ به گونه‌ای که فرآیند جهانی شدن باعث تضعیف و اضمحلال هویت ملی ایرانیان شده است و براساس میانگین اندازه اثر براساس مدل اثرات تصادفی به دست آمده که برابر با ۰/۴۴۴ بود، می‌توان اذعان داشت که جهانی شدن با هویت ملی رابطه داشته و این تأثیر طبق جدول تفسیر کوهن بالاتر از متوسط ارزیابی شد. بنابراین نتایج، پژوهش‌هایی که نگاهی بدبینانه به ماندگاری پدیده دولت-ملت و به تبع آن ماندگاری هویت ملی در فرآیند جهانی شدن را دارند، تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، هویت ملی، فراتحلیل، نرم افزار CMA

۱- گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران niazim@kashanu.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری علوم اجتماعی دانشگاه کاشان fmansoriyan@yahoo.com

مقدمه و بیان مساله

جهانی شدن موضوعی بحث‌انگیز، چند بعدی و در عین حال مبهم است. ابهام مفهومی آن را باید در دو طرز تلقی فرایند تعمیمی و پروژه تحمیلی جست و جو کرد. از منظر نخست، جهانی شدن فرایندی به شمار می‌آید که در اثر توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی موجب فشردگی و تراکم جهان و تقویت خودآگاهی جمعی در میان ابناء بشر می‌شود. بر این مبنا، جهانی شدن امری برآمده از تاریخ، فرایندی ریشه‌دار و فراگردی وسیع، گسترده و همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که مرزهای ملی را در می‌نوردد و به عنوان واقعیتی در حال تکوین و تکامل و همچون رودی خروشان و در حال حرکت پرشتاب می‌گذرد و زمان و مکان را می‌فشرد و به یکدیگر نزدیک می‌کند.

از منظر دوم، جهانی شدن، همانا طرح و مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی هژمونیک غرب را افاده می‌کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیسم و پست مدرنیسم، درصدد فراگیر کردن شیوه زندگی آمریکایی^۱ و غربی کردن انسان‌ها^۲ و ترویج فرهنگ مصرف و جنسیت از طریق وارد کردن فرهنگ هالیوودی به کشورها به وسیله ماهواره‌ها و رسانه‌های ارتباط جمعی است. براساس رویکرد مزبور، غرب سعی دارد با بهره‌گیری از فن‌آوری ارتباطات ماهواره‌ای و دیجیتالی، آن را در مسیر سردمداری تمدن اطلاعاتی و سیطره‌جویی بر سایر کشورها در دهکده جهان مک‌لوهان و در موج سوم آلوین تافلر به کاربندد و از رهگذر یکسان‌سازی فرهنگی و یکپارچه‌سازی ارزشی، فرهنگ جهانی و استعلایی غرب را بر کشورهای جهان از طریق جنگ ماهواره‌ها تحمیل کند و هنجارهای خود را حاکمیتی فراگیر بخشد و جهان‌گرایی فرهنگی را بر تک‌هنجاری طلبی آمریکا در امپراطوری جهانی جدید، استوار سازد (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۳ و ۷۲).

در هزاره سوم، آهنگ جهانی شدن سریع‌تر از گذشته در مسیر ادغام دنیا در حرکت است. از یک سو فرصت‌ها و امکانات زیادی برای کشورها، دولت‌ها و ملت‌ها فراهم ساخته است و از سوی دیگر نگرانی‌های فزاینده‌ای در حفظ ارزش‌های حیاتی، هویت و همبستگی ملی برای آن‌ها به وجود آورده و زمینه به چالش کشیده شدن نظم و امنیت را در داخل کشور به دنبال داشته است (قصری، ۱۳۹۱: ۵۶).

جهانی شدن معاصر از برخی جنبه‌ها، امکان وسیع‌تری برای کشف و بیان هویت است و گاهی موجب تضعیف هویت نیز شده است. از این رو جهانی شدن با ایجاد یک شبکه فراملی قدرت، درصدد است تا شبکه قدرت ایجاد شده توسط دولت - ملت‌ها را تضعیف کند و این خطر تضعیف

1- American way of life

2- Westernization

هویت ملی در میان شهروندان و در نتیجه عدم تمایل به ایفای نقش فعالی در فرآیندهای اجتماعی و ملی به یکی از معضلات برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی به خصوص در سطح کشورهای در حال توسعه بدل شده است.

از منظر نخست جهانی شدن فرآیندی به شمار می‌آید که با در بر گرفتن همه ابعاد زندگی، ذهنیت‌ها و عینیت‌ها را تحول بخشیده و با انسجام ارگانیکی جهان و تبدیل آن به «مای» بزرگ‌تر، تمایل فرهنگ‌ها به اقتباس از یکدیگر را به ارمغان می‌آورد (آرنسون، ۱۳۷۶، دهشیری، ۱۳۷۹، روسنایو و کمپل^۱، ۱۹۸۹، بری^۲، ۲۰۰۸). حال اینکه از منظر دوم، جهانی شدن هدفمند است؛ به طوری که در این میان غرب با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مختلف به ویژه تکنولوژی ارتباطات ماهواره‌ای و دیجیتال و ارائه آن به دیگر کشورها در مسیر سردمداری تمدن اطلاعاتی و سیطره جویی بر سایر کشورها قرار گرفته و از رهگذر یکسان سازی فرهنگی و یکپارچه سازی ارزشی، فرهنگ استعلایی خود را بر دیگر کشورهای جهان می‌گستراند (دهشیری، ۱۳۷۹، هانتینگتون، ۱۳۷۴، امین^۳، ۱۹۸۸، محمدبخش و همکاران، ۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد یافته‌های حاصل از پژوهش‌ها در بررسی رابطه جهانی شدن و هویت ملی هماهنگ و یکدست نیستند و نیازمند روشی هستند تا نتایج پژوهش‌های انجام شده را یکدست کند.

در این روش، که به نام فراتحلیل موسوم شده است، روش‌های مختلف اندازه‌گیری و آماری به کار برده می‌شود. فراتحلیل به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که در مقایسه با یک مطالعه و یا مداخله واحد یا منفرد به شناختی بیشتر از پدیده‌های مورد نظر برسند، این رویکرد جعبه ابزاری برای ترکیب کمی اطلاعات حاصل از چند پژوهش و در نتیجه، در پی کشف تازه‌ای است که از مطالعات جداگانه و انفرادی قابل حصول نیست (سفیری و تمیز، ۱۳۹۰).

براین اساس پژوهش حاضر بر آن است تا با ترکیب و مقایسه یافته‌های مجزای پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه جهانی شدن و هویت ملی و ایجاد ارتباط بین مطالعات و به دست آوردن نتیجه‌ای منسجم از میان نتایج پراکنده مطالعات، با استفاده از روش فراتحلیل به این سؤال پاسخ دهد که برآورد کلی اندازه اثر برای رابطه جهانی شدن و هویت ملی در چه فاصله اطمینانی تغییر می‌کند؟ و میزان رابطه جهانی شدن و هویت ملی بر اساس تحقیقات انجام شده در سطح کشور چقدر است؟

جهانی شدن و هویت ملی: دیدگاه‌های نظری

1- Rosenau & Czempiel

2- Berry

3- Amin

فرآیند جهانی شدن موجب تغییر در منابع هویتی و هویت‌گزینی افراد جامعه می‌شود؛ بدین معنا که بعضی از متفکران بر این عقیده‌اند که جهانی شدن هویت ملی افراد را تقویت می‌کند (اسکالر، ۱۹۹۹، ساساکی، ۲۰۰۴، بلوم، ۲۰۰۳، سوتکوویچ و کلنر، ۱۹۹۷) و عده‌ای نیز معتقدند که جهانی شدن به علایق خصوصی، همچون هویت قومی و یا هویت‌های فراملی توجه می‌کند (ادواردس و سن، ۲۰۰۴، لیبر و ویسبرگ، ۲۰۰۲، یوشینو، ۱۹۹۲، خواجه نوری و همکاران، ۱۳۸۹، نساج، ۱۳۸۷، لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۸، آموسی، ۱۳۸۴، عیاری، ۱۳۸۴، خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۳، کاستلز و همکاران ۱۹۹۲)

از نظر رابرتسون، مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشرده شدن جهان و هم به تراکم آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۳۵). رابرتسون تأثیر جهانی شدن را بر فرهنگ محلی و فرهنگ جهانی بررسی می‌کند و مدعی است دولت‌ها در عصر جهانی شدن قادر به کنترل افکار و ایده‌هایی نیستند که از طریق رسانه‌های جدید وارد کشور می‌شود و این خود باعث رشد افکار محلی گرایمی می‌شود. اساساً رابرتسون جهانی شدن را عامل یکسان‌سازی فرهنگ‌ها در سراسر جهان ارزیابی نمی‌کند (نش، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۱۰). براساس این تئوری، جهانی شدن فرصت و مجالسی را برای فرهنگ‌ها و هویت‌های گوناگون فراهم می‌آورد که خود را در فضای باز جهانی مطرح کرده و توان بازیابی و بازتولید داشته باشند. در این فضای باز، فرهنگ‌ها و هویت‌ها به توان و پتانسیل‌های خود آگاهی پیدا کرده و در نتیجه این شناخت، از وضعیت «درخود» به سمت وضعیت «برای خود» حرکت می‌کنند. تئوری جهانی شدن گیدنز نیز به نوعی شرح و توصیف این وضعیت است، به اعتقاد گیدنز، جهانی شدن با دگرگون ساختن معنای «زمان» و «مکان» (گیدنز، ۱۳۸۷) و کم‌رنگ کردن مرزهای سیاسی و جغرافیایی فرصت مطرح شدن و شکوفایی را نه تنها به فرهنگ‌ها بلکه حتی به خرده فرهنگ‌ها نیز می‌دهد (یزدانی و مروتی، ۱۳۹۰: ۱۱).

در دیدگاه گیدنز، می‌توان سه فرایند را در روند جهانی شدن باز شناخت: تمایز زمان و مکان، ازجاکندگی و بازاندیشی. جهانی شدن در واقع تغییر زمان و مکان است که البته باعث انقطاع اجتماعی و گسستگی انسانها از یکدیگر نمی‌شود. مدرنیته باعث می‌شود با کنده شدن روابط اجتماعی از بسترهای محلی و برقراری مجدد آنها در گستره‌های نامحدود زمان - فضا، انسان‌ها بتوانند در شکل‌گیری جامعه یا پدیده‌ای در «فضای مدرن» در کنار هم قرار گیرند و با ویژگی بازاندیشی در مناطق مختلف به گونه‌ای فزاینده در برابر ارزش‌ها و امکاناتی که سرچشمه تنش در اجتماع آنهاست، حساسیت نشان دهند (ادیبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

هلد براین باور بود که جهانی شدن می‌تواند با سه عنصر رشد معقول و اصولی هویت ملی را تسهیل کند:

(۱) تغییر ماهیت و حوزه فعالیت دولت - ملت به دلیل به هم پیوستگی فرایندهای اقتصادی،

سیاسی، فرهنگی و ...

(۲) تردید گروه‌ها و جنبش‌های ناسیونالیستی در مورد دولت - ملت؛

(۳) تغییر پیوند دولت و شهروندان تحت تأثیر به هم پیوستگی جهانی و منطقه‌ای (دهشیری، ۱۳۸۰: ۱۹).

بنابراین در این دیدگاه جهانی شدن نه تنها موجب تضعیف هویت‌های ملی نمی‌شود، بلکه آنها را پویا و بالنده می‌سازد. در این زمینه تحقیقات تجربی مختلفی در کشورهای گوناگون به انجام رسیده است که از آن جمله می‌توان به تحقیقات ساساکی در جامعه ژاپن، سوتکویچ^۱ و کلنر^۲ در کشورهای شرق آسیا و ... اشاره کرد. ساساکی^۳ (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیده است که «جهانی شدن و هویت ملی در ژاپن» در تحقیق خود با عنوان جهانی شدن در ژاپن باعث اضمحلال هویت ملی نمی‌شود، بلکه بیش‌تر باعث ایجاد فرهنگ پیوندی می‌شود، به عبارتی افراد در انتخاب عناصر جهانی و ملی دست به گزینش زده و عناصر جهانی را بومی می‌کنند.

پژوهشگر دیگری به نام بلوم^۴ (۲۰۰۳) نیز با انجام تحقیقی در کشورهای حوزه دریای خزر (قزاقستان، آذربایجان و روسیه) نتیجه‌ای مشابه آن را می‌گیرد. ایشان اظهار می‌کند که مردم این مناطق علاوه بر تمایل به سمت جریان‌های مهم جهانی از هویت ملی و محلی بالایی نیز برخوردارند. سوتکویچ و کلنر^۵ (۱۹۹۷) با بررسی تجربه‌های جهانی شدن در کشورهای کره، ژاپن، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور اذعان می‌دارند که مردم این کشورها اغلب بین نیروهای جهانی مدرنیته و نیروهای سنتی ملی و محلی سازش و ترکیب به عمل می‌آورند (محمدبخش و همکاران، ۱۳۹۰).

دیدگاه کاستلز^۶ در برابر نظریه جهانی شدن را برتسون، گیدنز و هلد قرار می‌گیرد. کاستلز به تضاد هویت‌ها و شکل‌گیری هویت‌های مقاومت در سطح ملی در برابر هویت جهان شمول ناعادلانه اعتقاد دارد. مبنای دیدگاه او این است که رابطه امر جهانی با امر ملی قهرآمیز و ناعادلانه است. کاستلز بین آنچه جهانی شدن نامیده می‌شود و آنچه شکل‌گیری هویت‌های جدید است، نه توازی می‌بیند و نه به تکرار مسالمت‌آمیز هویت‌های جمعی خرد و کلان اعتقاد دارد؛ بلکه او بین هویت‌های جمعی، خرد، کلان و محلی و روند جهانی شدن به نوعی تناقض و ستیز باور دارد (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۰). تحقیقی که به وسیله کاستلز و همکارانش (۱۹۹۲) بر روی گروه‌های قومی استرالیا انجام گرفت، نشانگر آن است که جهانی شدن باعث کاهش هویت ملی می‌شود و

1- Cvetkovich

2- Kellner

3- Sasaki

4- Blum

5- Cvetkovich & Kellner

6- Castles

منابع سنتی ملی‌گرایی قومی و نژادپرستی در عصر جهانی، نمی‌تواند چیزی را به استرالیایی‌ها ارائه دهد (محمدبخش و همکاران، ۱۳۹۰).

جهانی شدن استقلال دولت‌ها را به حدی کاهش داده که آن‌ها به مدیریت کردن فرآیندهایی که بر آن کنترلی ندارند، و خارج از محدوده مرزهای ملی رخ می‌دهد، تنزل یافته است. به لحاظ اقتصادی بدین معناست که سیاست‌های پولی و مالی دولت تحت سیطره و تحرکات بازارهای مالی بین‌المللی است. از نظر فرهنگی سیستم‌های ارتباطی ماهواره‌ای عقاید جدیدی را وارد مرزهای حکومت می‌کند و سانسور حکومتی را مشکل می‌سازد و شیوه خبرپراکنی ملی را بهبود می‌کند. تخریب‌های زیست محیطی مرزهای ملی را در می‌نوردد که همه آن‌ها خارج از توانایی انفرادی دولت‌های ملی است همزمان حاکمیت دولت ملی زیر سؤال می‌رود (نش، ۱۳۸۲).

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به هدف تحقیق از روش فراتحلیل^۱ برای تحلیل کمی اطلاعات استفاده شده است. در این روش پژوهشگر نتایج تحقیقات مختلف و متعدد را با هم ترکیب کرده و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. در تحقیق فراتحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند (دلاور، ۱۳۸۴). کولیک و کولیک (۱۹۸۸) معتقد است «فراتحلیل، تحلیل تحلیل‌هاست ... تحلیل آماری مجموعه بزرگی از نتایج مطالعات منفرد با هدف یکی کردن و ادغام یافته‌هاست. مشاهدات فراتحلیلگر، میانگین‌ها، انحراف استانداردها و نتایج آزمون‌های آماری است. تحلیل داده‌های خام تحلیل اولیه یا تحلیل ثانویه است، نه فراتحلیل» (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

جامعه آماری پژوهش

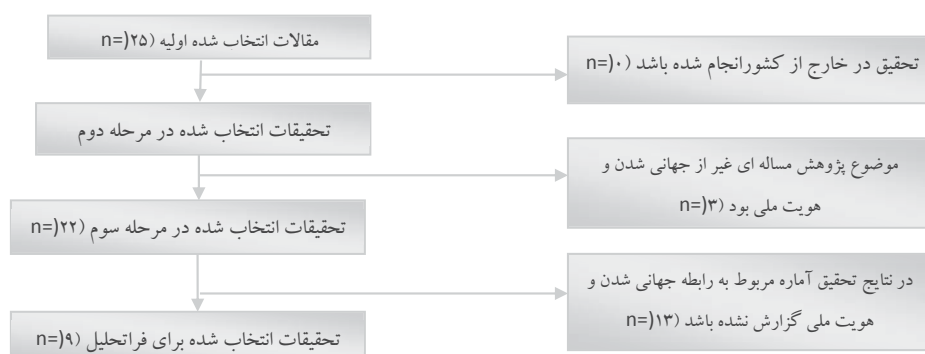
جامعه آماری پژوهش حاضر، تحقیقات چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی بودند که در پانزده سال گذشته (۹۴-۱۳۷۹) در زمینه رابطه جهانی شدن و هویت ملی انجام شده و از لحاظ روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری و روش نمونه‌گیری شرایط لازم را داشته‌اند. مکان‌ها و منابعی که برای گردآوری تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه جهانی شدن و هویت ملی به آن‌ها مراجعه شد، عبارت بودند از: وب سایت پایگاه اطلاعات علمی ایران (SID)، وب سایت بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) و وب سایت پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags).

نمونه و روش نمونه‌گیری

در یک مطالعه مقدماتی بیش از ۲۵ عنوان مطالعه بدست آمد که از این تعداد ۹ مطالعه، براساس معیار رعایت قواعد روش شناسانه گزینش شدند. بدین معنا از مقاله‌هایی که ملاک‌هایی که قابلیت ورود به فراتحلیل را داشته‌اند، استفاده شده است. معیارهای ورودی^۱ این پژوهش عبارتند از: ۱- تحقیق در ایران انجام گرفته باشد، ۲- پژوهش در موضوع جهانی شدن و هویت ملی مورد بررسی قرار گرفته باشد و ۳- در نتایج تحقیق آماره مربوط به دو متغیر جهانی شدن و هویت ملی گزارش شده باشد.

معیارهای خروجی^۲ این پژوهش عبارتند از: ۱- تحقیق در خارج از کشور انجام شده باشد. ۲- موضوع پژوهش مسئله‌ای غیر از جهانی شدن و هویت ملی باشد. ۳- در نتایج تحقیق آماره مربوط به دو متغیر جهانی شدن و هویت ملی گزارش نشده باشد.

مراحل انتخاب تحقیقات برای انجام فراتحلیل در شکل ۱ آمده است:



شکل شماره ۱: مراحل انتخاب تحقیقات برای انجام فراتحلیل (اقتباس از مرادی و همکاران، ۱۳۹۱)

ابزارهای اندازه‌گیری

در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شده است: منابع دست اول: در روش فراتحلیل، تمامی پژوهش‌های مربوط به موضوع پژوهش که از نظر روش شناختی تأیید شده باشد، استفاده می‌شود. در مطالعات فراتحلیل واحد تجزیه و تحلیل، گزارش نهایی پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع بررسی شده است. با توجه به این، برای بررسی و انتخاب پژوهش‌های انجام شده برای

1- Inclusive criteria

2- Exclusive criteria

فرا تحلیل از فهرستی استفاده شده است که شامل مؤلفه‌های زیر است:

۱- عنوان پژوهش انجام شده درباره رابطه جهانی شدن و هویت ملی؛ ۲- مشخصات کامل نویسندگان مقالات؛ ۳- سال انجام پژوهش؛ ۴- محل اجرای پژوهش؛ ۵- سؤال‌ها و فرضیه‌های پژوهش؛ ۶- ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات؛ ۷- روایی و پایایی ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات؛ ۸- جامعه آماری و حجم نمونه؛ ۹- روش نمونه‌گیری؛ ۱۰- روش انجام دادن پژوهش؛ ۱۱- روش‌های آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ ۱۲- سطح معناداری آزمون‌های به کار گرفته شده.

اطلاعات جمع‌آوری شده به کمک نرم افزار Comprehensive Meta Analysis برای انجام محاسبات آماری فرا تحلیل، تجزیه و تحلیل شدند، به طوری که مقادیر میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و حجم نمونه وارد برنامه و سپس برنامه ترکیب اندازه اثر انتخاب شدند و اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱: مشخصات تحقیقات انتخاب شده برای فرا تحلیل

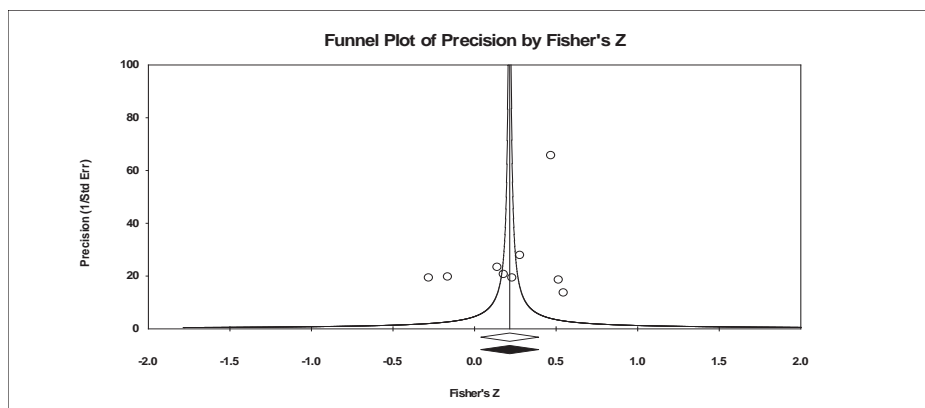
ردیف	متغیر ملاک	حجم نمونه	سال اجرای پژوهش	پژوهشگران	جامعه آماری	آماره مورد استفاده	میزان همبستگی
۱.		۳۴۰	۱۳۹۱	تاجیک	دانشجویان	R	۰/۴۷۷
۲.		۴۲۹۲	۱۳۹۳	لطف آبادی و نوروزی	دانش آموزان مقطع دبیرستان و پیش دانشگاهی کل کشور	B	۰/۴۴۰
۳.		۳۸۴	۱۳۸۵	حافظ نیا و همکاران	دانشجویان	R	۰/۱۵۹-
۴.		۱۸۴	۱۳۹۲	بختیار نصرآبادی و همکاران	اعضاء هیئت علمی	T	۰/۵۰
۵.		۷۷۰	۱۳۹۲	خواجه نوری و همکاران	افراد ۱۵ تا ۶۵ سال	R	۰/۲۷۵
۶.		۳۷۰	۱۳۸۹	حبی و همکاران	دانشجویان	R	۰/۲۳۰
۷.		۵۴۰	۱۳۸۸	جلایی پور و قنبری	افراد ۱۸ تا ۶۵ سال	R	۰/۱۴۲
۸.		۳۷۰	۱۳۸۷	محمدبخش و همکاران	دانشجویان	R	۰/۲۷۰-
۹.	هویت ملی	۴۲۲	۱۳۹۱	خلیلی اردکانی و همکاران	شهروندان بالای ۱۸ سال	R	۰/۱۸۰

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲: نتایج آزمون ناهمگنی (Heterogeneity)

I-squared	P- value	سطح معناداری	Df (Q)	درجه آزادی (Q)	Q-value	شاخص آماری
۹۷/۷۵۸	۰/۰۰۰		۸		۳۵۶/۸۰۸	میزان آماره

سطح معناداری (۰/۰۰۰) حاکی از آن است، ناهمگنی که بین مطالعات وجود دارد بیشتر از آن است که فقط تحت تأثیر خطاهای درون مطالعات باشد. آزمون ناهمگنی دو شاخص مهم دارد. آزمون Q نشانگر آن است که مدلی که باید در نظر گرفته شود، ثابت است یا تصادفی، از آنجا که میزان Q معنادار بوده است، از مدل اثرات تصادفی استفاده می‌شود. یعنی تفاوت بین مطالعات زیاد است که نمی‌تواند ناشی از خطای نمونه‌گیری درون مطالعات باشد. I-squared نشان می‌دهد که ۹۷ درصد از تفاوتی که بین مطالعات مرتبط وجود دارد، به این دلیل است که اندازه اثر در جوامع مختلف آماری مختلف متفاوت است و ۳ درصد به علت خطای نمونه‌گیری در مطالعات است.



نمودار ۱: دقت نمونه‌گیری براساس Z فیشر

نمودار دقت در نمونه‌گیری براساس Z فیشر بر حسب مقدار اندازه اثر داده‌ها حول میانگین اندازه اثر است. براساس این نمودار، هر چه داده‌ها، نزدیک به سطح بالای نمودار باشند، بزرگی اندازه مطالعات و پژوهش‌ها را نشان می‌دهند و هر چه به سطح پایین نمودار بیایند، نشان دهنده کوچکی اندازه اثر مطالعات انجام شده هستند. در نمودار ۱، بیشتر داده‌ها نزدیک میانه نمودار قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهد داده‌ها در حجم متوسط انجام شده‌اند به استثنای یکی از داده‌ها که در بالای نمودار قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت مطالعات انجام شده؛ تاحدودی تقارن نسبی دارند.

جدول ۳: اندازه اثر، سطح معناداری و میزان Z فیشر در مطالعات جهانی شدن و هویت ملی

ردیف	پژوهشگر	سال	اندازه اثر Hedgess g	حد پایین	حد بالا	Z-value	P-value
۱	تاجیک	۱۳۹۱	۱/۰۸۳	۰/۸۴۱	۱/۳۲۵	۸/۷۵۷	۰/۰۰۰
۲	لطف آبادی و نوروزی	۱۳۹۳	۰/۹۸۰	۰/۹۱۳	۱/۰۴۶	۲۸/۸۱۶	۰/۰۰۰
۳	حافظ نیا و همکاران	۱۳۸۵	-۰/۳۲۱	-۰/۵۲۴	-۰/۱۱۸	۳/۱۰۴	۰/۰۰۰
۴	بختیار نصرآبادی و همکاران	۱۳۹۲	۱/۱۵۰	۰/۸۱۵	۱/۴۸۵	۶/۷۲۷	۰/۰۰۰
۵	خواجه نوری و همکاران	۱۳۹۲	۰/۵۷۱	۰/۴۲۴	۰/۷۱۹	۷/۶۱۶	۰/۰۰۰
۶	حبی و همکاران	۱۳۸۹	۰/۴۷۲	۰/۲۶۲	۰/۶۸۲	۴/۴۰۶	۰/۰۰۰
۷	جلایی پور و قنبری	۱۳۸۸	۰/۲۸۷	۰/۱۱۶	۰/۴۵۷	۳/۲۹۱	۰/۰۰۱
۸	محمدبخش و همکاران	۱۳۸۷	-۰/۵۶۰	-۰/۷۷۲	-۰/۳۴۸	-۵/۱۷۲	۰/۰۰۰
۹	خلیلی اردکانی و همکاران	۱۳۹۱	۰/۳۶۵	۰/۱۷۱	۰/۵۶۰	۳/۶۸۵	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از جدول شماره ۳ می‌توان گفت در ۹ مطالعه مورد بررسی رابطه بین جهانی شدن و هویت ملی معنادار می‌باشد و بیشترین میزان اندازه اثر مربوط به مطالعه بختیار و همکاران (۱/۱۵۰) و کمترین میزان اندازه اثر مربوط به مطالعه جلایی پور و قنبری (۰/۲۸۷) است. با توجه به مقدار Z به دست آمده از آزمون احتمال ترکیب داده‌ها که همگی دارای سطوح معناداری هستند، فرضیه همبستگی جهانی شدن و هویت ملی در تمام تحقیقات در سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید می‌شود.

جدول ۴: اندازه اثر مطالعات رابطه جهانی شدن و هویت ملی

مدل	تعداد مطالعات (N)	میانگین اندازه اثر (Hedgess g)	انحراف استاندارد	واریانس اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z-value	سطح معناداری P-value
اثرات ثابت	۹	۰/۶۶۹	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱	۰/۶۲۰	۰/۷۱۷	۲۷/۰۸۶	۰/۰۰۰
اثرات تصادفی	۹	۰/۴۴۴	۰/۱۸۸	۰/۰۳۵	۰/۰۷۵	۰/۸۱۴	۲/۳۵۹	۰/۰۰۱

در فراتحلیل ارائه یک تصویر کلی از نتایج یک اقدام پژوهشی حتی اثرات اندک و غیر معنادار نیز می‌تواند نقش داشته باشد. ترکیب اندازه‌های اثر نیز با دو مدل اثرات ثابت (Fixed) و اثرات تصادفی (Random) امکان‌پذیر است. در مدل ثابت فرض بر این است که مطالعات تحت بررسی در یک اندازه اثر حقیقی مشترک، سهیم هستند و تفاوت‌های اندازه اثر واقعی تنها ناشی از خطای نمونه‌برداری است. در این مدل می‌توان به این پرسش پاسخ داد که آیا کاربردی در مطالعات موجود مؤثر بوده است یا نه؟ لیکن تعمیم آن به مطالعاتی جز آن‌ها که در نمونه وجود دارد ممکن نیست. در مدل‌های تصادفی تفاوت اندازه‌های اثر تنها ناشی از خطای نمونه‌برداری نیست بلکه ناشی از عامل‌های دیگری مانند خطای اندازه‌گیری و تفاوت‌های ذاتی بین مطالعات است. این رویکرد اگر چه نیرومندی کمتری نسبت به مدل اثرهای ثابت دارد، اما اجازه تعمیم‌پذیری را به مطالعاتی که در نمونه نیست نیز می‌دهد. اگر واریانس اثرهای تصادفی به صورت معنی‌دار با واریانس برآورد (شرطی) تفاوت داشته باشد این امکان وجود دارد که مدل تصادفی بر مدل ثابت ارجح باشد (هومن، ۱۳۸۷).

بررسی اندازه اثر کلی درباره رابطه هم‌بستگی بین جهانی شدن و هویت ملی برای نه مطالعه در مدل ثابت ۰/۶۶۹ و در مدل تصادفی ۰/۴۴۴ است. در تفسیر اندازه اثر در صورتی که این مقدار ۰/۲ باشد اندازه اثر کم، ۰/۵ باشد اندازه اثر متوسط و اگر ۰/۸ باشد، اندازه اثر زیاد را تأیید می‌کند. همچنین اگر اندازه همبستگی ۰/۱ باشد اندازه اثر کم، ۰/۲ اندازه اثر متوسط، و اگر میزان همبستگی ۰/۳ باشد اندازه اثر بالاست. (روزنتال ۲۰۰۱، هومن ۱۳۸۷). در مدل اثرات تصادفی اندازه اثر دو مفهوم جهانی شدن و هویت ملی ۰/۴۴۴ است که مقدار متوسطی را نشان می‌دهد. براساس این، تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی بر مبنای تحقیقات انجام شده در ایران تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با تأمل در تبیین‌های موشکافانه‌ای که در تئوری‌های مرتبط با جهانی شدن شکل گرفته‌اند، شاهد چالش‌ها و فرصت‌های ایجاد شده‌ای هستیم که جهانی شدن عرضه می‌دارد. در واقع به جز خود تهدیدات، غفلت از فرصت‌های عرضه شده نیز می‌تواند تهدیدزا باشد. فرایند جهانی شدن با متحول کردن فضا و زمان و جدا کردن آن‌ها از مکان، توانایی هویت‌سازی را در مختصات فعلی جوامع، به میزان بسیار زیادی کاهش داده است. شرایطی که جهانی شدن برای فرهنگ‌ها به ارمغان آورده، به قدری پیچیده، متغیر و متحول است که ثبات و انسجام ذاتی فرهنگ‌ها را به مخاطره انداخته است. هر چند فرایند جهانی شدن روابط اجتماعی را از قید مکان مشترک که یکی از ملزومات هویت‌سازی سنتی است، رها می‌سازد، اما به صورت گسترده فضای زمان را در عرصه روابط اجتماعی گسترش می‌دهد. البته لزوماً این تحول به معنای درهم شکستن چارچوب‌های زندگی افراد در مکان‌های واقعی نیست، بلکه ویژگی‌های ساختاری جوامع را دگرگون می‌سازد.

تاکنون در خصوص تأثیر جهانی شدن بر تقویت و تضعیف هویت ملی، تحقیقات متعددی انجام پذیرفته است و هریک از صاحب‌نظران، متناسب با حوزه کاری خود به تفسیر و تبیین روابط فوق پرداخته‌اند و بی‌تردید با توجه به هدف، متغیرهای مورد بررسی، روش به کار گرفته شده و جامعه آماری مورد بررسی، نتایج متفاوتی حاصل شده است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی جدیدی در حوزه روش و استفاده از روش فراتحلیل، سعی نمود نتایج تحقیقات مستقل و مشابه در این زمینه را تلفیق و یافته‌های آنها برای اثربخشی عمل آزمایشی، ترکیب کند و در نتیجه تحلیلی فرای تحلیل‌های صورت گرفته، ارائه دهد. از این‌رو، ادبیات جهانی شدن و هویت ملی با استفاده از منابع مکتوب مورد بررسی نظام‌مند قرار گرفتند تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر جهانی شدن بر هویت ملی چقدر است.

مرور یافته‌های مطالعات پیشین در این خصوص حاکی از نتایج متناقض و بعضاً متضاد بوده است. گروهی معتقد بودند که جهانی شدن به تقویت هویت ملی کمک می‌کند، در حالی که گروه دیگر از پژوهش‌ها معتقد بودند که جهانی شدن به کاهش و فرسایش هویت ملی در جوامع منجر می‌شود و نگاهی بدبینانه به ماندگاری پدیده دولت - ملت و به تبع آن ماندگاری هویت ملی و همچنین هویت ملی در فرآیند جهانی شدن دارند. گروه دیگر نیز، رویکرد بینابینی را اتخاذ می‌کنند، به طوری که ادعا می‌کنند که فرآیند جهانی شدن و افزایش هویت جهانی با این که وفاداری‌های کلاسیک متعلق به هویت ملی را تضعیف می‌کند، اما از طرفی هویت‌های قومی را تقویت می‌کند. مطالعه حاضر پس از بررسی ۹ مطالعه در زمینه رابطه هویت ملی و جهانی شدن به این نتیجه دست یافت که بین جهانی شدن و هویت ملی رابطه معکوس وجود دارد؛ به گونه‌ای که فرآیند جهانی شدن باعث تضعیف و اضمحلال هویت ملی ایرانی‌ها شده است و بر اساس میانگین اندازه اثر به دست آمده که برابر با ۰/۴۴۴ است، نتیجه گرفته می‌شود که جهانی شدن با هویت ملی رابطه دارد و این تأثیر طبق جدول تفسیر کوهن بالاتر از متوسط ارزیابی می‌شود. همانطور که ملاحظه می‌شود، نتایج این تحقیق موید نگرش منفی به جهانی شدن است و حاکی از آن است که فرایند جهانی شدن، پیوندهای موجود بین ملت و دولت را تضعیف می‌کند و اقلیت‌های قومی مستحیل شده را رها می‌سازد. از این منظر، جهانی شدن موجب تخریب هویت‌های ملی می‌شود و در نتیجه، افزایش بحران‌ها و مسائل ملی و هویت خواهی در فرایند جهانی شدن تشدید می‌یابد. چرا که خواهان یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و ادغام فرهنگ‌های بومی و محلی در فرهنگ جهانی مسلط است به گونه‌ای که هویت‌های فراملی و فروملی بر هویت‌های ملی غالب و چیره شوند و فرهنگ استعلائی و تحمیلی غرب موجبات از خود بیگانگی فرهنگی و درهم ریختگی اجتماعی کشورهای جهان سوم را فراهم آورد.

شرایطی که جهانی شدن برای فرهنگ‌ها به ارمغان آورده، به قدری پیچیده، متغیر و متحول

است که ثبات و انسجام ذاتی فرهنگ‌ها را به مخاطره انداخته است. چالش‌ها و فرصت‌ها چنان به هم نزدیک شده‌اند که بدون تدبیری هوشمندانه نمی‌توان در جهت تحول فرهنگی گام برداشت. جهانی شدن در عین ایجاد یکپارچگی از رهگذر افزایش اطلاعات و مبادلات فرهنگی و نزدیک سازی برداشت‌ها و ذهنیت‌ها درباره ارزشهای مشترک بشری، می‌تواند به ایجاد گسل میان جوامع شمال و جنوب و از بین بردن ویژگی‌های خاص جوامع و هویت‌های محلی منجر گردد. بنابراین برای مقابله با تبعات منفی، شایسته است جهانی شدن براساس خودباوری و احساس ملی و با شعار مبارزه با امپریالیسم و استعمار، بسیج توانایی‌ها برای دستیابی به علوم و فنون، ارتقاء سطح علمی افسراد درباره ویژگی‌های هویت ملی در ایران و تقویت باورها و ارزش‌های بومی و اجتماعی تنظیم شود.

منابع و ماخذ

- ادیبی، مهدی، یزدخواستی، بهجت، فرهمند، مهناز (۱۳۸۷)، «جهانی شدن فرهنگ با تاکید بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳: ۱۱۸-۱۰۰.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی، میرشاه جعفری، سیدابراهیم، موسوی، ستاره (۱۳۹۲)، «تعیین میزان تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶: ۲۳۴-۲۱۳.
- تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۱)، «هویت ملی در عصر جهانی شدن، مطالعات رسانه‌ای»، سال هفتم، شماره هجدهم: ۸-۱.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، قنبری، علی (۱۳۸۸)، «بررسی هویت ملی و ارزشهای جهانی شدن با تاکید بر ایرانیان عرب زبان»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم: ۱۱۸-۱۶۵.
- حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی راد، مراد، کریمی پور، یداله، طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۵)، «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی» (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران). فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم: ۲۱-۱.
- حبی، اکرم، فتحی آذر، اسکندر، محمدبخش، بهمن (۱۳۸۹)، «جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان» (مطالعه موردی: دانشگاه تبریز)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲: ۱۲۱-۱۰۱.
- خلیلی اردکانی، محمدعلی، معیدفر، سعید، ساعی، علی (۱۳۹۲)، «جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی و ملی»، مطالعه کردهای سنندج، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱: ۹۱-۱۱۲.
- خواجه نوری، بیژن، کریمی، ماندانا، خجسته، سعاد (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه فرایند جهانی شدن

فرهنگی و هویت ملی در ایران»، مطالعه موردی: گروه‌های قومی لر شهر نورآباد ممسنی و عرب شهر کنگان و توابع، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، شماره پیاپی ۸، شماره دوم: ۹۹-۱۱۴.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹)، «جهانی شدن و هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵: ۷۱-۱۰۰.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، «ایران و جهانی شدن: فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه مصباح، شماره ۳۷.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰)، «جهانی شدن و هویت ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۷۱-۵: ۱۰۰.

سفیری، خدیجه، تمیز، رقیه (۱۳۹۰)، «فراتحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره سوم: ۱۱۰-۱۳۲.

قصری، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی نقش و ظرفیت مرز در تقویت هویت ملی در عصر جهانی شدن» (مورد ایران). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال چهارم: ۷۹-۵۵.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: انتشارات طرح نو.

لطف آبادی، حسین، نوروزی، وحیده (۱۳۸۳)، «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۹، سال سوم: ۸۸-۱۱۷.

محمدبخش، بهمن، حبیبی، اکرم، قریشی، فردین (۱۳۹۰)، «جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳: ۳۴-۷.

محمدی، محمدعلی، ودادهیر، ابوعلی، سیفی، علیرضا، مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱)، «فراتحلیل مطالعات فقر در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵: ۴۳-۷.

مرادی، اعظم، طاهری، صغری، جوانبخت، فاطمه، طاهری، عقیل (۱۳۹۱)، «فراتحلیل تحقیقات انجام شده درباره میزان رابطه سلامت روانی و حمایت اجتماعی در ایران»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۶: ۵۷۳-۵۶۵.

نش، کیت (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر نی.

واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی

امیری، تهران.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۷)، راهنمای عملی فرا تحلیل در پژوهش علمی، تهران: سمت.
یزدانی، عنایت اله، مروتی، نادر (۱۳۹۰)، جهانی شدن و چالش‌های فراروی هویت ملی در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ششم: ۱-۲۳.
توسلی، غلامعباس، قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳)، «هویت‌های جمعی و جهانی شدن»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۱-۲۶.

Rosenthal, R, R.M, Dimatteo)2001. (META-ANALYSIS: Recent Developments in Quantitative Methods for Literature Reviews, Annual Reviews of psychology.

Amin,s (1996). The Challenge of globalization, Review of international political economy,3(2): 216-219.

Berry,J.W (2008). Globalization and acculturation, International Journal of Intercultural Relations, 32: 328-336.